

تو این را دروغ و فسانه بدان

فردوسی

محمد جلوداری ممقانی *

می‌گویند من و شما هم‌اطاقی هستیم. شانس یعنی همین. اطاق را تحویل گرفتیم و یک عالم در مورد علاقمندی‌های مشترک، و مثلاً کتاب‌هایی که خوانده‌ایم، صحبت کردیم. اندکی بعد شام بود و قدری قدم‌زدن در فضای باز و دیدار دوستان و لذت دسته‌جمعی و عکس.

روز چهارشنبه که برای صبحانه وارد رستوران شدم دوستان اراکی را دیدم، علی محمد نظری و علی محمدی. دکتر میرزاویزی مجری مراسم افتتاحیه بود، در ساعت ۸ صبح. دعوت می‌کرد و اخطار می‌داد که سخنران نباید بیشتر از وقت منظور شده صحبت کند. الحق موفق هم بود و آخر سر بیست دقیقه وقت اضافه آورد. گذاشت و رفت. رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، رئیس انجمن ریاضی ایران، و دبیر کنفرانس از جمله سخنرانان بودند. جلسه افتتاحیه پیشانی کنفرانس است. آینه‌ای تخت است مقابل ریاضیات کشور. کیفیت ریاضی دانان شرکت‌کننده و مقالات ارائه شده در آن نشانی از توسعه علمی کشور است و توقع جامعه علمی کشور از کنفرانس. چندبار در سالن و بعداً در رستوران چشم چرخاندم و از برخی دانشگاه‌ها نماینده‌ای نیافتم. برخی از شهرهای اهواز، تبریز، قزوین، زنجان، همدان، رشت، اراک، شیراز، بروجرد، زاهدان، اصفهان آمده بودند. طبیعتاً خراسانی‌ها و استان‌های هم‌جوار خراسان در اکثریت بودند.

جای ریاضی دانان بسیاری هم خالی بود؛ محمدرضا رجب‌زاده مقدم، اسدالله نیکنام، رحیم زارع‌نهندي، فریبرز آذریناه، بیژن زنگنه، علیرضا جمالی، علیرضا مدقالچی، سیاوش شهشهانی، مهدی رجبعلی‌پور، تنی چند از لشکر غایبان بودند. احتمالاً سنگینی هزینه‌های شرکت در کنفرانس و نبود انگیزه از علل این غیبت‌هاست. بنابراین، باید برای حفظ ستون‌های کنفرانس و انجمن کاری کرد. پیشنهاد مشخص من این است:

۱. کنفرانس بعدی با نظر شورای اجرایی به چند نفر از پیش‌کسوتان اطلاع دهد که خود را برای شرکت در کنفرانس جهت یک سخنرانی، جلسه‌ای با دانشجویان، و ... آماده کنند؛
۲. در مورد هزینه‌ها صندوق حمایت از انجمن، دبیرکنفرانس، و استاد مدعو به توافق برسند.

پنجاه‌وپنجمین کنفرانس ریاضی ایران به‌همت دانشگاه فردوسی مشهد طی روزهای ۲۴ تا ۲۶ مرداد ۱۴۰۳ برگزار شد. این کنفرانس میعادگاه علاقه‌مندان به علوم ریاضی، محل دیدار و آشنایی نسل‌های مختلف ریاضی‌کاران، بازاری برای عرضه محصولات و دستاوردهای ریاضی اعم از مقاله، فکر و ایده و اندیشه، محل تبادل نظر ریاضی‌کاران، محل دیدار دوستان ریاضی‌کار قدیمی و احتمالاً انبساط خاطر از این دیدار، محل مقایسه دستاوردهای ریاضی‌کشوری و جهانی، محل شناسایی رتبه واقعی ریاضیات کشور در مقایسه با دستاوردهای ریاضی دنیا، و سرانجام محل خاطره‌گشایی و درد دل، است. از دل این دیدارهاست که افکار و ایده‌های نوین شکل می‌گیرد، گسترش می‌یابد و راه‌های پیشرفت‌های علمی و اجتماعی گشوده و هموار می‌شود. در اینجا است که ممکن است مسئله‌ای حل نشده به حل نزدیک شود، و شنونده یک سخنرانی، راه حل مسئله مورد نظر خود را پیدا کند. در این جاست که اهمیت سخنرانی در مقابل جمع نمایان می‌شود و زبان‌آوری، لکنت زبان را پس می‌زند.

بنابراین، تقویت برگزاری حضوری این کنفرانس وظیفه همه دست‌اندرکاران ریاضیات کشور است، اعم از ریاضی‌کاران، گروه‌های ریاضی، دانشکده‌های علوم و دانشکده‌های ریاضی، دانشگاه‌ها، و وزارت عتف.

برگزارکنندگان، این بار شگرد جدیدی زده بودند؛ کنفرانس در هتل. در جاهایی در خارج کشور این رویکرد را دیده بودم ولی در ایران نخستین بار بود که می‌دیدم. دیگر مسئله رفت‌وآمد به سالن، اطاق سخنرانی، رستوران، و خوابگاه مطرح نبود. ملاحظات اداری مختص ادارات دولتی هم در کار نبود و ... غذا، غذای هتل بود و دیگر هیچ.

در راه فرودگاه تا هتل راننده تاکسی یک‌ریز از تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و ... حرف می‌زد. گفت واژه «هیراد» همان «هرات» امروزی است. چسبید. ساعت ۱۹ روز ۲۳ مرداد که وارد هتل شدم. چند نفر از همکاران و دانشجویان به استقبال آمدند. آن طرف‌تر دکتر عرفانیان، دبیر کنفرانس، مشغول رتق‌و‌فتق امور بود. خدا خدا می‌کردم هم‌اطاقیم در خور من باشد که دیدم آقای دکتر صفاپور

آرامگاه عطار دیدن کردیم، عکس گرفتیم، چای زعفران خوردیم و برگشتیم طرف منزل. حسابی شب شده بود، اما، سری هم به باغروود زدیم و بی آنکه پیاده شویم برگشتیم. شام دست پخت خانم سین را خوردیم و حرف زدیم تا ساعت ۱:۳۰ بامداد روز شنبه. با آقای ز و خانمشان آمدیم مشهد منزل این خانواده نازنین. در میان خواب و بیداری شد ساعت ۶ صبح. من تا این ساعت می توانم بخواهم. آقای ز صبحانه ای داد و خوردیم و اندکی صحبت و ساعت ۹:۳۰ در فرودگاه بدرقه ام کرد به سوی تهران. ساعت ۲:۳۰ در خانه بودم، تهران.

برای کلیاتی در مورد نیشابور در ویکیپدیای فارسی نگاه کنید به: نیشابور.



سیمرغ در خیابان طرهبه، تابستان ۱۴۰۳

* دانشگاه علامه طباطبایی

ساعت ۱۵-۱۴ جلسه (درواقع خداحافظی) شورای اجرایی و ساعت ۱۷-۱۹ مجمع عمومی انجمن برگزار شد و پس از مطرح و تصویب شدن دستور جلسه، شرکت کنندگان نامهای اعضای جدید شورای اجرایی را بر مونیاتور مشاهده کردند. ساعت ۹:۳۰ شب به همراه عده ای رفتیم حرم امام رضا (ع) زیارت. به این ترتیب، روز اول را به روز دوم پیوند زدیم. ساعت از ۱ گذشته بود که در هتل مشغول محوطه گردی بودیم.

خراسان خاستگاه فردوسی، ابوالفضل بیهقی، ابوالحسن بیهقی، خیام، عطار، جامی، ملک الشعراء بهار، اخوان ثالث، مشکاتیان، شجریان، عثمان محمدپرست، محمود دولت آبادی، شفیعی کدکنی، و شعرا و موسیقی دانان بسیاری دیگر است و بنابراین، از بزرگترین مراکز ادبی و موسیقی ایران است. هر مسافری علاوه بر زیارت دوست دارد از امکانات فرهنگی این دیار نیز بازدید و استفاده کند. دومین روز کنفرانس در هتل سر درس و مشق بودیم که قرار توس سرناهار برای ساعت ۱۶:۳۰ ما را تا توس، آرامگاه فردوسی، با خود برد. تا ساعت ۱۸:۳۰ خاک را و سنگ را بر تن شجریان، اخوان، و فردوسی دیدیم و برگشتیم که در میزدراز (گرد) شرکت کنیم.

روز جمعه آخرین روز کنفرانس، از لحاظی روزی سخت بود؛ باید وسایل را جمع و اتاق را تحویل می دادیم، در جلسات سخنرانی و اختتامیه شرکت می کردیم، ناهار می خوردیم، و فلنگو می بستیم. مشتاق رفتن به نیشابور بودم. خانم دکتر گویا مشکل گشا شد. گفت آقای سین من را می برد نیشابور، گفتم من را هم ببرد. بسیار خوب. حین رفتن به رستوران با آقای سین آشنا شدم. تعارف اندر تعارف که بیاید ناهار. گفت ناهار در منزل آماده است. رفتیم ناهار کی در رستوران خوردیم از دوستان خداحافظی کردیم و در لابی چند عکس یادگاری گرفتیم و راهی نیشابور شدیم. ساعت حدود ۱۶ در منزل آقای سین بودیم. ناهار و استراحت و بافت فرهنگی نیشابور همراه با آدمهایی فرهنگی و کاربلد، خانم و آقای سین. هر موقع زلزله، مغول و ... بیکار بودند حسابی این شهر را با خاک یکسان کرده اند، شهر، اما تکانی خورده و سر برافراشته است. این را می توان از کاوش های باستان شناسی جدید که در جریان است فهمید. از مقبره های کمال الملک، و خیام از آثار جاویدان هوشنگ سیحون و